

## شهروندی اجتماعی در کتاب‌های درسی

عزت اله پوریان<sup>۲۰۴</sup>، اصغر احمدی<sup>۲۰۵</sup> و سید حسین نبوی<sup>۲۰۶</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۵، تاریخ تایید: ۹۶/۱/۲۶

### چکیده

این مقاله حاصل پژوهشی است که طی آن همه کتاب‌های درسی مدارس ایران در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بررسی شده است. در پژوهش مذکور، جمعاً ۹۲ کتاب درسی شامل ۱۲۶۴۱ صفحه، با روش تحلیل محتوای کمی بررسی شد. هدف، این مقاله توصیف و تحلیل پیام‌های مربوط به «حقوق اجتماعی» و «تکالیف شهروندان» در کتب درسی است. از دو نظریه «برجسته‌سازی» و «کاشت» برای تبیین یافته‌ها استفاده کرده‌ایم. از مهم‌ترین یافته‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: در مقابل ۴ حق اجتماعی برای شهروندان، ۱۵ تکلیف به‌عهده آنها گذاشته شده است. در مقابل ۴۴ مورد حق شهروندی که در کتب درسی مختلف تکرار شده‌اند، ۶۵۸ تکلیف در کتاب‌های درسی آمده است. با بررسی مهم‌ترین اسناد بالادستی کشور یعنی قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست ساله و نقشه جامع علمی کشور، دریافتیم نسبت حق و تکلیف در کتب درسی با اسناد بالادستی همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد کتاب‌های درسی عمده‌تاً در صدد «کاشت» انگاره مکلف‌بودن شهروندان است، تا ذی‌حق بودن آنان.

واژگان کلیدی: حقوق و تکالیف شهروندی، کتب درسی، تحلیل محتوا، آموزش و پرورش، نظریه برجسته‌سازی<sup>۲۰۷</sup>، نظریه کاشت<sup>۲۰۸</sup>.

---

۲۰۴- دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

porian79@gmail.com

ahmadi.asghar@gmail.com

abavee@gmail.com

207- Agenda setting theory

208- Cultivation theory

۲۰۵- عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی

۲۰۶- عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی

### مقدمه و طرح مسئله

نگاهی به شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر فضای عمومی کشور، در کنار همه زیبایی‌ها، خوبی‌ها و ارزش‌های اجتماعی، برخی ناهماهنگی‌ها و ناسازگاری‌ها را در تمامی شئون مذکور نشان می‌دهد. به بیان دیگر، مناسبات حاکم بر جامعه در حوزه‌های مورد اشاره، رضایت عمومی را در پی ندارد. هم شهروندان از هم رنجیده خاطر می‌شوند و حتی آسیب می‌بینند و هم دولتمردان برخی انتظاراتشان از مردم محقق نمی‌شود. هم مردم فکر می‌کنند که زعمایشان به وظایف قانونی خود به‌درستی عمل نمی‌کنند و هم حاکمیت سیاسی گاه از برخی خواسته‌ها و رفتارهای توده مردم آزار می‌بیند. مثال‌های کم نیست... تمنای دولت برای انصراف از ۴۵۵۰۰ تومان معروف و کوتاه نیامدن ما شهروندان یک مثال دم‌دستی است. اصلاح‌نشدن برخورد بسیاری کارکنان دولت با شهروندان و یا به پایان نرسیدن کشفیات گاه و بی‌گاه فساد و رانت و ندیدن برخورد متناسب با مجرمان، دلخوری مردم را پی دارد.

نگاهی به مصرف آب، گاز، برق، دارو، تلفن و استفاده از خودروی شخصی در ترافیک‌های سرسام‌آور و موارد فراوان دیگر، نشان‌دهنده نوعی بحران است؛ بحرانی که می‌توان گفت دست کم، بخشی از آن ناشی از عدم «آموزش شهروندی» در مدارس است. از طرفی فضای مدرسه، برای دانش‌آموزان جذاب نیست! برای معلم‌ها هم همین‌طور؛ کودکانمان آموزش‌های لازم را برای تبدیل شدن به شهروندانی آگاه به حقوق و تکالیف خود نمی‌بینند. اگر هم دریافت می‌کنند، به‌کار نمی‌گیرند. در عین حال انصاف نیست همه این از ریختافتادگی‌ها را از چشم آموزش و پرورش کم‌بودجه و پُرهزینه ببینیم، اما حق داریم پرسیم آموزش و پرورش از طریق کتاب‌های درسی چه موضوعاتی را آموزش می‌دهد؟ کدام موضوعات را «برجسته» می‌کند؟ این نهاد باعث «کاشت» و شکل‌گیری چگونه ذهنیتی برای دانش‌آموزان می‌شود؟ تربیت انسانی فرمانبردار و مطیع را در دستور کار دارد یا شهروندی صاحب حقوق و تکالیف متوازن؟ اینها سؤال‌های کلیدی مقاله پیش رو است.

در انجام این تحقیق، پس از ارائه تعریف و روشن‌نمودن متغیر شهروندی، در پی یافتن رد پای آن در کتب درسی به‌کندوکاو پرداختیم. هم‌زمان نقشی که به آموزش و پرورش در اسناد بالادستی نظام از قبیل قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سند نقشه جامع علمی کشور محول شده، مورد بررسی قرار گرفت تا معلوم شود میزان پرداختن به آموزش شهروندی در کتب درسی به چه میزان با وظیفه آموزش و پرورش تناسب دارد و آیا اساساً حق داریم این نهاد را در جایگاه «متهم» قرار دهیم یا خیر؟

## تعاریف مفهومی

### شهروندی<sup>۲۰۹</sup>

مفهوم «شهروندی» برگرفته از واژه لاتین «سیویتاس»<sup>۲۱۰</sup> است که به فرد صاحب حقوق سیاسی ساکن در دولت‌شهرها<sup>۲۱۱</sup> اطلاق می‌شد (قادری، ۱۳۷۹). تعاریف مختلفی از شهروندی در گذر زمان ارائه شده است، اما گرانیگاه اساسی توجه به شهروندی را می‌توان در دو کلیدواژه «حق شهروندی»<sup>۲۱۲</sup> و «تکلیف شهروندی»<sup>۲۱۳</sup> جستجو کرد.

شهروندی مفهومی به‌هم‌پیوسته از حقوق و وظایف مدنی، سیاسی و اجتماعی است که به‌مثابه نوعی پایگاه، شان و عضویت اجتماعی به تمامی افراد جامعه اعطاء شده است و فارغ از تعلقات طبقاتی، نژادی، مذهبی و اقتصادی، همگان را یکسان و برابر فرض گرفته و آنها را واجد حق برخورداری از تمامی امتیازات، منابع و مزایای حاصله از جامعه می‌داند و نهایتاً مسئول، مکلف و موظف به مشارکت در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، محسوب می‌نماید (مک لین، ۱۹۹۶). به باور مارشال نیز، شهروندی یعنی مجموعه‌ای از تعهدات دولت و تکلیف مردم و تعهداتی که نظم سیاسی موجود به مردم می‌دهد و تکالیفی که از آنها انتظار دارد (مید، ۱۳۸۱: ۲۱۵).

### انواع حقوق شهروندی

«توماس مارشال» جامعه‌شناس انگلیسی را می‌توان مهم‌ترین نظریه‌پرداز مفهوم شهروندی دانست؛ زیرا پیشینه ظهور مفهوم شهروندی به‌عنوان یک ابزار مهم تحلیلی در ادبیات جامعه‌شناسی به نظریات وی برمی‌گردد. «مارشال» سه نوع حقوق شهروندی را از یکدیگر تفکیک می‌کند:

۱- **حقوق مدنی:** نخستین حقی است که در جامعه به‌وجود آمده است. حقوق مدنی عبارت از حقوقی است که امکان تملک دارایی‌ها، التزام به قراردادهای، آزادی‌های حزبی و آزادی فکر و اندیشه را فراهم می‌کند. ایجاد توقعات برابر و قضاوت بی‌طرفانه در نظام حقوقی نسبت به همه شهروندان؛ از جمله حقوق شهروندی مدنی است.

---

209- Citizenship  
210- Civitas  
211- Polis  
212- Citizenship Right  
213- Citizenship obligation /Duty

**۲- حقوق سیاسی:** عبارت است از حقوقی که امکان مشارکت مردم را در تصمیمات عمومی کشور با تشکیل احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات فراهم می‌کند. شهروندی سیاسی این امکان را فراهم می‌کند که هر یک از شهروندان امکان دسترسی مستقیم به موقعیت‌های سیاسی در مقام رهبری احزاب، دولت و یا سایر حلقه‌های قدرت را به دست آورند.

**۳- حقوق اجتماعی:** عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی - حمایتی از فرد و خانواده‌های آسیب‌پذیر را به منظور ایجاد تعادل در زندگی رفاهی آنها فراهم می‌آورد. به‌طور معمول حقوق اجتماعی شامل کمک‌های مالی و رفاهی به افراد کهنسال، معلول و افراد و خانواده‌های بی‌کار می‌شود. حقوق اجتماعی همچنین شامل فراهم‌آوردن شرایط مساوی بهره‌مندی از امکانات آموزشی، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه است (عاملی، ۱۳۸۰).

لازم به توضیح است که در مقاله پیش رو تقسیم‌بندی مارشال به‌عنوان چارچوب مفهومی مدنظر است، از این رو به‌عنوان مثال «آزادی بیان» ذیل «حقوق مدنی» جای‌گذاری شده است و در زمره حقوق اجتماعی یا سیاسی نیست، در عین حال که در تحقیق ما «آزادی بیان» به‌عنوان مفهومی مستقل مورد بررسی قرار گرفت و جای‌گرفتن آن ذیل حقوق مدنی، سیاسی و یا اجتماعی در اصل نتیجه کار، بی‌اثر بوده است.

### تکالیف شهروندی

به‌طور خلاصه گفتمان تکلیف‌محور بر مفهوم «شهروند خوب» دلالت دارد و شهروند خوب کسی است که مالیاتش را بپردازد، از قانون اطاعت کند، زمانی که فراخوانده شود به ارتش خدمت کند و در مجموع هر چه حکومت بخواهد انجام دهد و در زمان انتخابات کار او این است که به تعدادی از رهبرانی که آنها را لایق می‌پندارند، رأی دهد. در مجموع، شاخص‌های تکالیف شهروندی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. پرداخت مالیات و عوارض؛ ۲. احترام به قانون؛ ۳. دفاع از سرزمین؛ ۴. خدمت نظام وظیفه؛ ۵. شرکت در کارهای داوطلبانه (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۲۱۷)؛ ۶. آگاهی و اطلاع از اخبار و مسائل کشور؛ ۷. شرکت در انتخابات (شیانی، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

### مبانی نظری

در شرایطی که بناست پیام‌های موجود در کتاب‌های درسی را تحلیل محتوا کنیم دو نظریه اصلی که فرا رویمان قرار می‌گیرد «نظریه برجسته‌سازی» و «نظریه کاشت» است. برای فهم ایده‌ها و برنامه‌های مؤلفین کتب درسی، از طریق مطالعه متون درسی این دو نظریه راهگشا و مناسب هستند. نظریه برجسته‌سازی به تعبیری اولویت‌های ذهنی مؤلفین کتب را نشان

می‌دهد. در حالی که این نظریه مدعی است رسانه‌ها «اولویت‌های ذهنی مخاطبین را تعیین می‌کنند». از این گزاره می‌توان نتیجه گرفت محتوای ارائه‌شده در کتب درسی در نشانگر اولویت ذهنی صاحبان رسانه (در اینجا مؤلفین کتب درسی) هم هست. مؤلفین کتب درسی، پیام‌هایی را برجسته می‌کنند که برای خود ایشان برجسته است و یا دست کم به آنها ابلاغ شده است. نظریه کاشت نیز شیوه‌های انگاره‌سازی و شکل‌دهی به ذهنیت مخاطبین توسط رسانه‌ها (در اینجا مؤلفین کتب درسی) را بیان می‌دارد.

**برجسته‌سازی:** نظریه برجسته‌سازی مدعی تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته‌سازی بعضی از موضوعات و رویدادها است. به این معنا که رسانه‌ها با برجسته‌ساختن بعضی از موضوع‌ها و رویدادها، بر آگاهی و اطلاعات مردم تأثیر می‌گذارند (مهدی زاده، ۱۳۸۹: ۵۹).

**نظریه کاشت:** «جرج گربنر» نظریه‌پرداز امریکایی و همکارانش در پژوهش‌هایی که منجر به شکل‌گیری نظریه «کاشت» در ارتباطات شده است، نشان می‌دهند که مخاطبان پرمصرف رفتارهای خشونت‌آمیز و مجرمانه در تلویزیون، نسبت به دنیای پیرامون خود دچار نگرانی می‌شوند و می‌ترسند که قربانی رفتارهای خشونت‌آمیز و مجرمانه بشوند و لذا به دیگران کم‌تر اعتماد می‌کنند. «گربنر» استدلال می‌کند، اهمیت رسانه‌ها نه در تشکیل «توده»، بلکه در خلق «راه‌های مشترک انتخاب و نگرستن به رویدادها» است که با استفاده از «نظام‌های پیام مبتنی بر فناوری» عملی می‌شود و به راه‌های مشترک نگرستن و فهم جهان می‌انجامد. او همین را «کاشت الگوهای انگاره‌ای غالب» می‌خواند. در واقع، رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون گرایش به این دارند که روایت‌هایی یکسان و نسبتاً مورد وفاق از واقعیات اجتماعی ارائه و مخاطبان خود را نیز سازگار با آن «فرهنگ‌پذیر» کنند. گربنر می‌گوید: کاشت در وهله نخست، درباره فرایند فرهنگی داستان‌گونه است؛ بنابراین مهم است که چه کسی فرصت داستان‌گویی به‌دست می‌آورد و داستان‌های چه کسانی گفته می‌شود (مهدی زاده، ۱۳۸۴: ۴۰-۳۵).

گربنر در واکنش به بعضی انتقادات مبنی بر اینکه کار کنترل سایر متغیرها در این نظریه انجام نشده است، دو مفهوم تازه «جریان اصلی»<sup>۲۱۴</sup> و «تشدید»<sup>۲۱۵</sup> را به نظریه خود افزود. «جریان اصلی» اشاره‌ای به تأثیرات تلویزیون در تثبیت و یکسان‌سازی دیدگاه‌ها در داخل جامعه است. اگر برنامه‌های تلویزیونی خشونت را بیشتر به تصویر بکشند، بینندگان پرمصرف باور می‌کنند که جهان واقع، به‌همان اندازه خشن است. به‌عبارتی بستر نفوذ و تهنشت [ذهنی] جریان اصلی تماشای زیاد تلویزیون یا همان بینندگان پرمصرف است، لذا تعبیر و تفسیر تلویزیونی‌شده

زندگی، به عنوان جریان اصلی رایج می‌شود و نفوذ می‌کند (همان: ۳۲). مفهوم جریان‌سازی اصلی مدعی است «تلویزیون چشم‌اندازهای مشترک را کشت می‌کند و بیانگر نوعی همگن‌سازی دیدگاه‌هاست» (همان: ۳۴)، به زعم ما کتاب‌های درسی که در سطحی وسیع و از ۷ تا ۲۰ سالگی کودکان و نوجوانان را همان‌گونه تحت تأثیر قرار می‌دهد و نوعی جریان اصلی در همگن‌سازی دیدگاه‌ها محسوب می‌شوند.

«تشدید» نیز زمانی روی می‌دهد که اثر «کاشت» در گروهی خاص از جمعیت بیشتر می‌شود. برای مثال تماشاگران پرمصرف اعم از زن و مرد بیشتر از تماشاگران کم‌مصرف احتمال دارد بپذیرند که ترس از جنایت یک مشکل جدی است، اما گروهی که با تأکید بیشتری این نظر را قبول دارند، گروه «زنان» تماشاگر پرمصرف هستند؛ زیرا به نظر می‌رسد شکنندگی خاص آنها در برابر جنایت عرضه‌شده در تلویزیون، همساز و تشدید می‌شود (سوروین و تانکارد، ۱۳۷۸ به نقل از مهدی زاده، ۱۳۸۴: ۳۵).

سید محمد مهدی‌زاده نویسنده کتاب «نظریه کاشت و دریافت در ارتباطات» (داور پژوهش حاضر) در گفتگو با نگارنده مدعی شد با کمک نظریه کاشت می‌توان به تحلیل پیام‌های سایر رسانه‌ها؛ از جمله کتاب‌های درسی پرداخت. او معتقد است این که چه کسی فرصت داستان‌گویی در کتب درسی را دارد و یا چه قصه‌هایی برای دانش‌آموزان در کتاب‌های درسی در نظر گرفته می‌شوند، نوعی «کاشت» انگاره در ذهن مخاطب است. همچنان‌که تحقیقات مختلفی با استفاده از نظریه کاشت در خصوص آثار سایر رسانه‌ها از قبیل مطبوعات انجام گرفته است از جمله، پژوهش «رسانه‌ها، جرایم اجتماعی و امنیت و آگاهی شهروندان» که به تحلیل نقش مطبوعات در ایجاد امنیت و آگاهی شهروندان با استفاده از این نظریه پرداخته است (پوریان، ۱۳۸۸).

### جایگاه آموزش و پرورش در اسناد بالادستی

این بخش به منظور تشریح وظایف آموزش و پرورش در زمینه آموزش شهروندی بر اساس اسناد بالادستی ارائه می‌شود. با عنایت به اینکه در پژوهش حاضر در پی یافتن پیام‌های مربوط به حقوق اجتماعی و تکالیف شهروندان در کتب درسی هستیم، لازم است بدانیم آیا آموزش و پرورش در این زمینه، وظیفه‌ای به عهده دارد یا اینکه ما یک‌طرفه به قاضی رفته‌ایم؟ در ادامه، به بررسی جایگاه حقوق و تکالیف شهروندان در سه سند بالادستی کشور شامل؛ قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران و سند نقشه جامع علمی کشور می‌پردازیم.

### حقوق اجتماعی شهروندان در قانون اساسی

**اصل ۲۸:** دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

**اصل ۲۹:** برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی‌درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

**اصل ۳۰:** دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.

**اصل ۳۱:** داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند (به‌خصوص روستانشینان و کارگران) زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

**اصل ۴۳:** برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود: ۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه ۲- رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

### سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران

بر مبنای این سند، ایران باید در علم و فناوری در سال ۱۴۰۴ دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- ۱- برخوردار از انسان‌های فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی و... علاوه بر این در این سند، برای ایران ۱۴۰۴ ویژگی‌های دیگری چون «برخوردار از سلامت»، تعیین شده است. همچنین بر اساس این سند، داشتن «شهروندان سالم»، «مسئولیت‌پذیر»، «رضایت‌مند»، «برخوردار از وجدان کاری»، «منضبط»، «دارای روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی» از اهداف سند چشم‌انداز است و از آنجا که دولت از اصلی‌ترین ارکان تحقق سند چشم‌انداز است، به تبع آن، وزارت آموزش و پرورش نقش مهمی در تربیت و تحقق انواع شهروندی مورد اشاره در سند چشم‌انداز و تحقق برعهده دارد.

### سند نقشه جامع علمی کشور

در سند نقشه جامع علمی کشور اهداف بخشی نظام علم، فناوری و نوآوری کشور بدین شرح است: ۱- دستیابی به سطح مناسب دانش عمومی افراد جامعه و حذف بی‌سوادی؛ ۲- پوشش کامل دوره تحصیلات آموزش عمومی؛ ۳- برخوردار از نظام آموزشی مناسب و هدایت‌کننده دانش‌آموزان در کسب فضایل، شناخت مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، جامعه، و خلقت؛ جهت تقویت قدرت تفکر و خردورزی؛ کسب آمادگی برای ورود به زندگی مستقل و تشکیل خانواده؛ حضور مسئولانه و مؤثر در نظام اجتماعی؛ ۴- دستیابی به سطح دانش و مهارت نیروی کار کشور متناسب با استانداردهای جهانی و در راستای پاسخگویی به نیازهای جامعه و بازار کار داخلی و بین‌المللی.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود «حقوق اجتماعی» مطابق دستگاه مفهومی مارشال در قانون اساسی، سند چشم‌انداز و نقشه جامع علمی کشور به تصریح و تفصیل آمده است. بدیهی است که دولت و به تبع آن وزارت آموزش و پرورش، در محقق ساختن این حقوق، مسئول است. در بخش یافته‌های تحقیق به توصیف و تحلیل وضعیت و سطح پوشش «حقوق و تکالیف» شهروندان در کتب درسی می‌پردازیم تا مشخص شود نهاد آموزش و پرورش چه میزان به وظایف خود در ارتباط با تربیت شهروندان، پایبند بوده است.

### روش تحقیق

#### تحلیل محتوا: روشی کمی و عینی

برطبق تعریف برنارد برلسون یکی از پیشگامان به‌کارگیری این روش و نویسنده اولین کتاب با عنوان «تحلیل محتوا» در سال ۱۹۵۲، تحلیل محتوا «تکنیکی تحقیقی است برای تشریح (تحلیل) عینی، منظم و مقداری (کمی) محتوای آشکار ارتباطات (پیام‌های ارتباطی)» (معمدنژاد، ۱۳۵۶: ۱۸). فرد کرلینجر با استناد به همین تعریف می‌نویسد: تحلیل محتوا «روش مطالعه و تحلیل ارتباطات به شیوه‌ای نظام‌دار، عینی و کمی به‌منظور اندازه‌گیری متغیرها» می‌باشد (کرلینجر، ۱۳۸۲: ۲۳۸).

کلوس کریپندر (۱۳۶۶: ۲۰) با اشاره به دو ابهام در مفهوم محتوا یعنی «نمادین» و «چندمعنایی بودن»، روش تحلیل محتوا را چنین تعریف می‌کند: «تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی است برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در بافت/متن آنها». وی بین محتوا و زمینه متن، تفاوت قائل است. تکرار در تحلیل محتوا در مقابل ندرت و یا عناصر غایب قرار دارد.



صرف‌نظر از تعاریف متعددی که تاکنون در مورد روش «تحلیل محتوا» ارائه شده است؛ این روش مستلزم رعایت اصولی است که در همه تعاریف به آن اشاره شده و متضمن علمی‌بودن این روش می‌باشد. این اصول به این شرح می‌باشند.

**عینی‌بودن:** عینیت به‌معنای ضد ذهنیت است. عینیت در صورتی محقق خواهد شد که مقوله‌های تحقیق آنچنان دقیق تعریف شوند که اگر افراد دیگر نیز در همان موضوع آنها را به‌کار گیرند، به نتیجه یکسان برسند. عینیت به‌معنای خارج‌کردن ذهنیات محقق در انجام کار است. به‌عبارتی همه چیز بر اساس روش و شیوه خاص و مدونی پیش می‌رود.

**سیستماتیک بودن:** منظم‌بودن روش تحلیل محتوا سه جنبه دارد: اول؛ داشتن وحدت رویه و شیوه‌ای ثابت در انجام کار تحقیق، دوم؛ مقوله‌ها دقیق بوده به‌طوری که تمام محتوا را شامل شوند، سوم؛ تحقیق با سؤال یا فرضیه هدایت شود و همه‌چیز در راستای پاسخ به سؤالات یا اثبات و رد فرضیه‌ها باشد.

**کمی بودن:** یعنی ثبت ارزش‌ها یا فراوانی‌هایی که بر اساس تعاریف مقوله‌ها به‌دست می‌آید، به‌طوری که بتوان با عدد و رقم به تحلیل اطلاعات پرداخت.

**محتوای آشکار:** در تحلیل محتوا همان صورتی از محتوا که دیده می‌شود و هست، باید کدگذاری شود و نه استنباط محقق از پیام. علاوه بر ویژگی‌های چهارگانه مورد توافق، اغلب پژوهشگران به دو ویژگی دیگر یعنی «قابلیت به‌کارگیری در همه زمینه‌های ارتباطی» و «برای هر نوع پیام» نیز اشاره می‌کنند.

با در نظر گرفتن موضوع پژوهش، چنین به‌نظر می‌رسد که بین روش‌های گوناگون تحقیق، تحلیل محتوا برای بررسی و تحلیل مؤلفه‌های آموزش شهروندی در کتب درسی مدارس مناسب‌ترین روش باشد.

## واحد ثبت<sup>۲۱۶</sup>

هولستی واحد ثبت را «بخش خاصی از محتوا که با قرار گرفتن در مقوله‌های معین، مشخص می‌شود، تعریف می‌کند» (۱۳۹۱: ۱۸۲) او از پنج واحد ثبت، نام می‌برد که عبارتند از؛ ۱- کلمه یا نماد، ۲- موضوع، ۳- شخصیت، ۴- جمله یا پاراگراف و ۵- عنوان. هولستی در تشریح «موضوع» که واحد ثبت پژوهش ماست، می‌نویسد: «موضوع (یعنی اظهاری واحد درباره چیزی) مفیدترین واحد تحلیل محتواست. تقریباً کاربرد این واحد در پژوهش‌های مربوط به تبلیغات، ارزش‌ها، ایستارها و اعتقادات و نظایر آن ضروری است».

### واحد زمینه یا متن<sup>۲۱۷</sup>

هر مضمون یا موضوعی در قالب زمینه یا متن ظاهر می‌شود، یا به عبارت دیگر پژوهشگر برای شناسایی مضمون یا موضوع مورد نظر، باید بخشی از متن را مبنای شمارش و محاسبه قرار دهد که به آن «واحد متن» یا «زمینه» می‌گویند. واحد زمینه، وسیع‌ترین متن محتوایست که می‌توان آن را برای مشخص کردن واحد ثبت بررسی کرد» (هولستی، ۱۳۹۱: ۱۸۴) در بررسی حاضر واحد متن یا زمینه، «کتاب» بوده است.

### مقولات

همان‌طور که برلسون گفته است: «مسئله اصلی در هر طرح پژوهشی، گزینش و تعریف مقوله‌هاست؛ فضایی که واحدهای محتوا باید در آن طبقه‌بندی شود. روش تحلیل محتوا با توجه به مقوله‌های موفق می‌شود یا شکست می‌خورد. بررسی‌های معینی که مقوله‌هایش به روشنی معین شده و با مسئله محتوایی پژوهش به خوبی تطبیق داده شده، ثمربخش بوده‌اند» (هولستی، ۱۳۹۱: ۱۴۸). مقوله‌بندی عبارت است از عمل طبقه‌بندی عناصر سازنده یک مجموعه از طریق تشخیص تفاوت‌های آنها و سپس گروه‌بندی مجدد آنها بر اساس معیارهای تعیین‌شده قبلی بر حسب نوع عناصر.

### واحدها

هر «مقوله» واجد چند «واحد» خواهد بود که از طریق واحدها تأیید و یا رد می‌شود. بدین‌سان ابتدا باید مقوله‌ها را مشخص ساخت و سپس واحد را معلوم کرد. واحد یا واحدهای تحلیل می‌توانند کلمات، مضامین و یا تصاویر باشند. به‌عنوان مثال در دستورالعمل کدگذاری ما حقوق اجتماعی شهروندان به‌عنوان مقوله و چهار مورد مقابل آن به شرح ذیل، به‌عنوان واحدهای مربوطه مدنظر بوده است:

واحد(زیر مقوله)	مقوله
۱- حق کار کردن ۲- مزایای رفاهی و خدمات اجتماعی در مواقع بیکاری یا ناتوانی برای کار ۳- استحقاق بهره‌مندی از خدمات بهداشتی ۴- برابری در فرصت‌ها	موضوعات مرتبط با حقوق اجتماعی شهروندی

### شیوه کدگذاری

عملیات اجرایی تحلیل محتوا پس از طراحی دستورالعمل کدگذاری شروع می‌شود. بر اساس این دستورالعمل، همه پیام‌های موجود در کتب درسی توسط سه نفر پژوهشگر به‌طور جداگانه کدگذاری شد. این نفرات پس از توافق بر سر مقولات تعیین شده و رسیدن به برداشت واحد از هر مقوله، کار خود را آغاز کردند. بخشی از دستورالعمل کدگذاری را در ادامه می‌بینید؛

X1		نام کتاب
X2		تعداد صفحات
X3	۱. زن ۲. مرد ۳. مردان بیشتر ۴. زنان بیشتر ۵. مساوی	مؤلفان کتاب
X4	۱. ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس، نژاد، منشا، زبان و عقیده ۲. آزادی مذهب ۳. آزادی و مصونیت از تعرض برای شخص ۴. برابری در قبال قانون ۵. حمایت از شخص در برابر اقدامات غیر قانونی دولت مثل حبس یا کار اجباری ۶. آزادی بیان ۷. حکومت قانون	موضوعات مرتبط با حقوق شهروندی (حقوق مدنی)
X5	۱. حق کار کردن ۲. مزایای رفاهی و خدمات اجتماعی در مواقع بیکاری یا ناتوانی برای کار ۳. استحقاق بهره‌مندی از خدمات بهداشتی ۴. برابری در فرصت‌ها	موضوعات مرتبط با حقوق شهروندی (حقوق اجتماعی)

### یافته‌های تحقیق

در ادامه، نتایج حاصل از تحلیل محتوای ۹۲ کتاب درسی در ارتباط با «حقوق اجتماعی» و «تکالیف» شهروندان، در قالب جداول توصیفی ارائه می‌شود. قید «ذکر شده» در جداول نشان‌دهنده تعداد کتاب‌هایی است که هر کدام از موضوعات را در خود جای داده است و منظور از «ذکر نشده» تعداد کتاب‌هایی است که به موضوع مورد بررسی، هیچ‌گونه اشاره‌ای نداشته‌اند. عدد ۹۲ در جداول نیز بیانگر تعداد کل کتاب‌های بررسی شده است. یادآوری می‌شود دسته‌بندی «حقوق اجتماعی شهروندی»، بر اساس نظریه مارشال ارائه می‌شود.

### موضوعات مرتبط با حقوق اجتماعی شهروندی

#### حق کار کردن

جدول شماره ۱؛ حق کار کردن

درصد	فراوانی	
۵.۶	۶	ذکر شده
۵.۹۳	۸۶	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۱۰	دفعات تکرار

اشاره به حق کار کردن شهروندان، به نوعی یادآوری مسئولیت دولت برای ایجاد اشتغال در کشور است. حقی که در اصل ۲۸ قانون اساسی، به روشنی بیان شده است. این مهم در ۶ کتاب از ۹۲ کتاب بررسی‌شده، مورد اشاره قرار گرفته است. جمعاً ۱۰ بار این حق شهروندی تکرار شده است. به نظر می‌رسد موضوع حق اشتغال شهروندان در کتب درسی از اهمیت چندانی برخوردار نیست و به اصطلاح «برجسته» نشده است. کارآفرینی و آماده‌سازی بستر اشتغال به‌عنوان یکی از وظایف دولت همواره از اهمیت بالایی برخوردار است. در دو دهه گذشته نرخ بیکاری در کشور ما افزایش داشته و این معضل خود موجب بروز مشکلاتی از قبیل طلاق، جرایم اجتماعی، مصرف مواد مخدر و... شده است.

## مزایای رفاهی و خدمات اجتماعی در مواقع بیکاری یا از کار افتادگی

جدول شماره ۲؛ مزایای رفاهی و خدمات اجتماعی در مواقع بیکاری یا از کار افتادگی

درصد	فراوانی	
۴.۵	۵	ذکر شده
۶.۹۴	۸۷	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۹	دفعات تکرار

پرداخت مزایای رفاهی و ارائه خدمات اجتماعی در مواقع بیکاری به شهروندان توسط دولت، از حقوق شهروندان است. این حق در اصل ۲۹ قانون اساسی به صراحت بیان شده است. در ۵ کتاب از ۹۲ کتاب بررسی شده و جمعاً ۹ بار به این حق شهروندان اشاره شده است.

## استحقاق بهره‌مندی از خدمات بهداشتی

جدول شماره ۳؛ استحقاق بهره‌مندی از خدمات بهداشتی

درصد	فراوانی	
۴.۵	۵	ذکر شده
۶.۹۴	۸۷	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۶	دفعات تکرار

دریافت خدمات بهداشتی هم از حقوق اجتماعی شهروندان است که در اصل ۲۹ قانون اساسی به آن اشاره شده است. در ۵ کتاب از ۹۲ کتاب بررسی شده، جمعاً شش بار به این موضوع اشاره شده است.

## برابری در فرصت‌ها

جدول شماره ۴: برابری در فرصت‌ها

درصد	فراوانی	
۶.۷	۷	ذکر شده
۴.۹۲	۸۵	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۱۹	دفعات تکرار

شهروندان بر اساس اصل ۲۰ قانون اساسی حق دارند در شرایط مساوی از شانس برابر برای داشتن فرصت‌های همسان در همه حوزه‌ها؛ از جمله شغل، تحصیل و بهره‌مندی از خدمات بهداشتی و رفاهی و... برخوردار باشند. این حق شهروندی نیز تنها در ۷ کتاب از ۹۲ کتاب بررسی شده، جمعاً ۱۹ بار مورد اشاره قرار گرفته است.

## بازنمایی تکالیف شهروندی در کتب درسی

## پرداخت مالیات و عوارض

جدول شماره ۵: پرداخت مالیات و عوارض

درصد	فراوانی	
۴.۵	۵	ذکر شده
۶.۹۴	۸۷	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۲۱	دفعات تکرار

۲۱ بار در کتاب‌های درسی به موضوع وظیفه شهروندان در خصوص پرداخت مالیات به دولت اشاره شده است. این یافته را می‌توان در راستای نیاز روزافزون دولت به درآمدهای حاصل از مالیات ارزیابی کرد. ضمن اینکه عدد ۲۱ از هر چهار عددی که در جداول شماره ۱ تا ۴ ذکر شده بزرگ‌تر است؛ زیرا در چهار جدول پیشین «حقوق» شهروندان را برشمردیم و اکنون وارد

مقوله «تکالیف» شده‌ایم. به نظر می‌رسد حاکمیت سیاسی، که متولی تدوین کتب درسی هم هست، بنا دارد از این فرصت استفاده کرده و ضمن منافع خود، به عمد از کنار برخی حقوق شهروندان بگذرد. غافل از اینکه زیان حاکمیت از این بی‌توجهی بیشتر از خود شهروندان است.

### احترام به قانون

جدول شماره ۶: احترام به قانون

درصد	فراوانی	
۵.۱۸	۱۷	ذکر شده
۵.۸۱	۷۵	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۴۸	دفعات تکرار

بر اساس جدول ۶ شهروندان وظیفه دارند به قوانینی که توسط حاکمیت سیاسی تدوین می‌شود، احترام بگذارند. این موضوع جمعاً ۴۸ بار، در ۱۷ کتاب درسی مورد اشاره قرار گرفته است.

### دفاع از سرزمین

جدول شماره ۷: دفاع از سرزمین

درصد	فراوانی	
۴.۴۲	۳۹	ذکر شده
۶.۵۷	۵۳	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۴۸	دفعات تکرار

تکلیف شهروندان در «دفاع از سرزمین» در برابر بیگانگان ۴۸ بار در ۳۹ کتاب درسی مورد اشاره قرار گرفته است. فراوانی نسبتاً بالای بازنمایی «وظیفه دفاع از سرزمین» علاوه بر ریشه‌های

تاریخی، نشأت گرفته از تجربه ۸ ساله جنگ است که هنوز آثار آن در جای جای کشور خودنمایی می‌کند. علاوه بر این، موقعیت ویژه کشور ما در منطقه خاورمیانه و دشمنی با امریکا نوعی آمادگی دفاعی را می‌طلبد. شاید از این‌روست که موضوع دفاع از سرزمین به نسبت موضوع در کتاب‌های درسی «برجسته‌سازی» شده است.

### خدمت نظام وظیفه

جدول شماره ۸: خدمت نظام وظیفه

درصد	فراوانی	
۱.۱	۱	ذکر شده
۹.۹۸	۹۱	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۱	دفعات تکرار

یک بار در کتاب‌های درسی به «ضرورت انجام خدمت سربازی» توسط شهروندان اشاره شده است. به نظر می‌رسد مؤلفان کتب درسی، موضوع خدمت سربازی را در موضوع دفاع از سرزمین (جدول ۷) مستتر دیده‌اند که ۴۸ بار در کتاب‌های گوناگون تکرار شده است.

### شرکت در کارهای داوطلبانه

جدول شماره ۹: شرکت در کارهای داوطلبانه

درصد	فراوانی	
۴.۱۷	۱۶	ذکر شده
۶.۸۲	۷۶	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۵۶	دفعات تکرار



توسعه همه‌جانبه کشور و اداره امور کشور بدون برخی اقدامات داوطلبانه شهروندان میسر نیست. شرکت در کارهای داوطلبانه در ۱۶ کتاب درسی جمعاً ۵۶ بار تکرار شده است.

### آگاهی از اخبار کشور

جدول شماره ۱۰؛ آگاهی از اخبار کشور

درصد	فراوانی	
۲.۲	۲	ذکر شده
۸.۹۷	۹۰	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۲	دفعات تکرار

«آگاهی شهروندان از اخبار کشور» امکان مشارکت آنها در تصمیم‌گیری صحیح را فراهم آورده و می‌تواند در حل مشکلات فراروی جامعه مؤثر باشد. از این‌رو نظریه‌پردازان شهروندی، «آگاهی از اخبار کشور» را از وظایف شهروندان برشمرده‌اند. در کتاب‌های درسی ما صرفاً در دو کتاب و جمعاً «۲ بار» به این مهم اشاره شده است. مقایسه این عدد با دیگر اعداد مربوط به تکالیف شهروندی سؤال‌انگیز است. به نظر می‌رسد از نظر مؤلفان کتب درسی، اطلاع‌یافتن شهروندان از اخبار کشور موضوع بی‌اهمیتی است و از این‌رو در مقایسه با سایر تکالیف شهروندی موجود در کتب درسی این موضوع «برجسته» نشده است.

### شرکت در انتخابات

جدول شماره ۱۱؛ شرکت در انتخابات

درصد	فراوانی	
۵.۶	۶	ذکر شده
۵.۹۳	۸۶	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۱۰	دفعات تکرار

شرکت در انتخابات یکی دیگر از تکالیف شهروندی است که در شش کتاب درسی جمعاً ۱۰ بار به آن اشاره شده است.

### احترام به بزرگ‌ترها/میهمان/اولیای مدرسه/دیگران

جدول شماره ۱۲: احترام به بزرگ‌ترها/میهمان/اولیای مدرسه/دیگران

درصد	فراوانی	
۷.۴۵	۴۲	ذکر شده
۳.۵۴	۵۰	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۱۵۸	دفعات تکرار

احترام به بزرگ‌ترها، اولیای مدرسه و دیگران یکی دیگر از تکالیف شهروندی است که توجه نسبتاً بالایی به آن شده است. همان‌طور که در جدول ۱۲ می‌بینید ۱۵۸ بار در ۴۲ کتاب درسی به این تکلیف شهروندان اشاره شده است.

### مراقبت از اموال عمومی

جدول شماره ۱۳: مراقبت از اموال عمومی

درصد	فراوانی	
۵.۱۴	۱۳	ذکر شده
۹.۸۵	۷۹	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۳۸	دفعات تکرار

همان‌طور که در جدول ۱۳ می‌بینیم، در ۱۳ کتاب درسی جمعاً ۳۸ بار به تکلیف شهروندان برای مراقبت از اموال عمومی اشاره شده است.

## مراقبت از محیط زیست

جدول شماره ۱۴: مراقبت از محیط زیست

درصد	فراوانی	
۱.۳۹	۳۶	ذکر شده
۹.۶۰	۵۶	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۱۹۴	دفعات تکرار

محیط زیست و مراقبت از آن نقش پررنگی در کتاب‌های درسی پیدا کرده و «برجسته» شده است. در ۳۶ کتاب درسی جمعاً ۱۹۴ بار به «تکالیف» شهروندان در خصوص مراقبت از محیط زیست اشاره شده است. نکته قابل تأمل اینکه در ۹۲ کتاب بررسی شده ۳۳۱۴ پیام با «موضوع محیط زیست» شمارش کرده‌ایم. این رقم شامل ۳۴.۹ درصد کل پیام‌های موجود در کتب درسی می‌شود که عدد قابل توجهی است.

## رعایت حقوق دیگران

جدول شماره ۱۵: رعایت حقوق دیگران

درصد	فراوانی	
۰.۲۵	۲۳	ذکر شده
۰.۷۵	۶۹	ذکر نشده
۰.۱۰۰	۹۲	کل
-	۸۲	دفعات تکرار

آخرین تکلیف شهروندان که مورد بررسی قرار گرفت است، رعایت حقوق دیگران است. همان‌طور که در جدول می‌بینیم در ۲۳ کتاب درسی، جمعاً ۸۲ بار به این تکلیف شهروندان اشاره شده است.

**جمع‌بندی و نتیجه‌گیری**

حقوق اجتماعی شهروندان که در فصل سوم قانون اساسی، ذیل حقوق ملت و در اصول ۱۹ تا ۴۲ به روشنی بیان شده‌اند، در مجموع در کتاب‌های درسی جدی گرفته نشده است. باید از سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان محتوای کتب درسی در خصوص «برجسته‌نشدن» حقوق اجتماعی شهروندان در کتب درسی سؤال شود. به نظر می‌رسد انگاره‌ای که توسط کتاب‌های درسی در ذهن دانش‌آموزان «کاشت» می‌شود، انگاره و تصویر شهروندی نیست که بر اساس قانون، دارای حقوق گسترده اجتماعی است.

برای جمع‌بندی یافته‌ها، جدول ۱۶ طراحی شده است. در این جدول، داده‌های مربوط به «حقوق اجتماعی شهروندان» در کتاب‌های درسی، با «تکالیف شهروندان» مقایسه شده است. لازم به اشاره است که در کتب درسی به حقوق سیاسی و حقوق مدنی شهروندان نیز اشاراتی شده است که موضوع بحث ما نیست و باید در مجالی دیگر به آنها پرداخت.

**جدول شماره ۱۶؛ مقایسه حقوق و تکالیف**

ردیف	حقوق شهروندان	تکالیف شهروندان
۱	۱۰ (حق کار کردن)	۲۱ (پرداخت مالیات و عوارض)
۲	۹ (مزایای رفاهی و خدمات اجتماعی در مواقع بیکاری یا از کار افتادگی)	۴۸ (احترام به قانون)
۳	۶ (استحقاق بهره‌مندی از خدمات بهداشتی)	۴۸ (دفاع از سرزمین)
۴	۱۹ (برابری در فرصت‌ها)	۱ (خدمت نظام وظیفه)
۵	-	۵۶ (شرکت در کارهای داوطلبانه)
۶	-	۲ (آگاهی از اخبار کشور)
۷	-	۱۰ (شرکت در انتخابات)
۸	-	۱۵۸ (احترام به بزرگ‌ترها/میهمان/اولیای مدرسه/دیگران)
۹	-	۳۸ (مراقبت از اموال عمومی)
۱۰	-	۱۹۴ (مراقبت از محیط زیست)
۱۱	-	۸۲ (رعایت حقوق دیگران)
جمع	۴۴	۶۵۸

## توضیح جدول شماره ۱۶:

- در مقابل ۴۴ حق اجتماعی برای شهروندان، ۶۵۸ تکلیف به‌عهده آنها گذاشته شده است. به‌عبارت دیگر نسبت تکالیف به حقوق ۱۵ در مقابل یک است که نشانگر وضعیت نابرابری است. می‌دانیم که حقوق و تکالیف شهروندی همچون دو بال هستند که شهروندی را می‌توانند به مقصود - که همانا توسعه همه‌جانبه کشور است - برسانند. این عدم توازن و تأکید بر مکلف بودن شهروندان، شانس مشارکت اجتماعی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد، وضعیتی که به‌راحتی در جامعه ما قابل مشاهده است.

- بزرگی و کوچکی اعداد در دو ستون «حقوق اجتماعی شهروندان» و «تکالیف شهروندان» هم جای تأمل بسیار دارد. ۱۰، ۹، ۶ و ۱۹ اعدادی هستند که دفعات تکرار «حقوق اجتماعی شهروندان» را در کتب درسی نشان می‌دهند در حالی که دفعات تکرار «تکالیف شهروندی» با اعدادی از جمله ۲۱، ۴۸، ۵۶، ۱۰، ۱۹۴، ۸۲ بیان شده است. به تعبیر «گرینر»، «کاشت» ذهنیت و انگاره شهروند «مکلف» به جای شهروند «ذی حق» در دستور کار آموزش و پرورش است.

- اعداد دو ستون «حقوق» و «تکالیف» کاملاً از یک منطق خاص تبعیت می‌کنند. همه اعداد ستون «تکالیف شهروندان» بزرگ‌تر از اعداد ستون «حقوق شهروندان» هستند. به‌جز دو مورد؛ عدد ۱ در سطر شماره ۴ که مربوط به ضرورت رفتن به «خدمت سربازی» است. دلیل این امر شاید این است که وظیفه رفتن به سربازی ذیل متغیر «دفاع از سرزمین» (جدول شماره ۷) پوشش داده شده است. مورد دیگر عدد ۲ در سطر شماره ۶، بیانگر تکلیف شهروندان در «آگاهی از اخبار کشور» است. مشاهده می‌شود که به‌طرز معناداری این عدد به یکباره در مقایسه با سایر اعداد ستون «تکالیف شهروندان» کوچک شده است. گویی آگاهی‌نداشتن شهروندان از اخبار کشور از اهمیت چندانی برخوردار نیست.

- کفه ترازوی «تکالیف شهروندان» سنگینی می‌کند. در حقیقت تکلیف شهروندان در کتب درسی «برجسته» شده است و نه حقوق آنان.

- نسبت «حق و تکلیف» در کتب درسی با اسناد بالادستی همخوانی ندارد. بازبینی اصول مختلف قانون اساسی، سند چشم‌انداز و نقشه جامع علمی کشور در همین مقاله، موید این ادعا است.

## پیشنهاد

۱- پیشنهاد می‌شود (باید) محتوای کتاب‌های درسی توسط کمیته‌ای از علمای طراز اول علوم اجتماعی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، حقوق و... تدوین شود. وضعیت فعلی، نشان‌دهنده آن

است که آموزش و پرورش به تنهایی توانایی تدوین کتاب‌هایی که پاسخگو نیازهای واقعی جامعه باشد را ندارد. در یکسال گذشته که درگیر این تحقیق بودیم دریافتیم، این مهم نیازمند ورود عالی‌ترین مقامات اجرایی کشور به بحث است و در سطح وزارتخانه ابدأ قابل حصول نیست.

۲- پیشنهاد می‌شود (باید) برنامه‌ای نظیر برنامه‌های توسعه کشور برای آموزش و پرورش توسط صاحب‌نظران تدوین شود تا همه دولت‌ها فارغ از گرایش سیاسی و حزبی مکلف به اجرای آن باشند. واقعیت آن است که این نهاد به دلیل حساسیت تربیت نسل فردا و گستردگی نفوذ آن در سراسر کشور و امکان کسب رأی از این ممر در انتخابات‌های مختلف، به شدت دستخوش خواسته‌های عمدتاً نامعقول احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ است. نمونه بارز این وضعیت را در معرفی وزرای آموزش و پرورش دولت روحانی به مجلس شاهد بودیم. دولت با تجربه‌ترین و توانمندترین مدیر (محمدعلی نجفی) را برای پست وزارت آموزش پرورش به مجلس پیشنهاد داد، اما مجلس کسی را به‌عنوان وزیر انتخاب کرد (علی‌اصغر فانی) که دولت مجبور شد خود او برکنار کند!

۳- طبیعتاً معلمان متخصص و باتجربه و محشور با دانش‌آموزان بهترین گزینه‌ها برای ارائه پیشنهاد مناسب با هدف اصلاح محتوای کتاب‌های درسی هستند، اما به دلایل مختلف؛ از جمله نبود ساز و کار مدون از یکسو و نارضایتی شغلی ناشی از پایین بودن دستمزد، انگیزه‌های برای این کار ندارند. مادامی که این مشکلات مرتفع نشود، تغییر محتوای کتب درسی به شکل مطلوب هم ما را به اهداف مورد نظر نمی‌رساند. پیشنهاد می‌شود برای رهایی از بحران آموزش و پرورش، ابتدا مشکلات معلمان در سطوح مزبور مرتفع شود.

۴- ما در این پژوهش بیش از ۴۰ هزار پیام درسی موجود در ۹۲ کتاب درسی (شامل ۱۲۶۴۱ صفحه) برشمردیم و بررسی کردیم. این حجم اطلاعات نیازمند بررسی‌های بیشتر است و این مقاله مشتی بود از خروار. مشاهده و بررسی‌های دیگری لازم است از جمله؛ افراد (شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، الگوها، زن یا مرد بودنشان و... موجود در کتب درسی)، مکان‌ها (شهر، روستا، داخل یا خارج از ایران و نحوه بازنمایی هرکدام)، نگاه به بیگانگان در کتب درسی، نگاه به اقتصاد، تولید، صرفه‌جویی در منابع انرژی، حفظ محیط زیست، تربیت کودکان، تربیت سیاسی و مدنی آنها و هزاران موضوع دیگر در کتاب‌های درسی را باید همه ساله بررسی و نتیجه را منتشر کرد تا مؤلفین کتب درسی و سیاستگذاران پرده‌نشین در جریان ماحصل اندیشه‌های عمدتاً مخرب، ضد توسعه‌ای، نامنتطبق با شرایط اجتماعی و ناکارآمد خود قرار گیرند.

۵- حرف آخر اینکه ما در این پژوهش دریافتیم آموزش و پرورش نه تنها مطابق نظریه دانیل لرنر که سوادآموزی را بعد از شهرنشینی دومین گام در راه تحول و توسعه قلمداد می‌کند، به توسعه کشور کمک نمی‌کند، بلکه حتماً یکی از «موانع» توسعه است. پیشنهاد می‌شود (باید) این موضوع مهم و حیاتی در عالی‌ترین سطوح تصمیم‌گیری در کشور به فوریت در دستور کار قرار گیرد.

## منابع

- پوریان، عزت الله (۱۳۸۸) «رسانه‌ها، جرایم اجتماعی و احساس امنیت و آگاهی شهروندان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی.
- توسلی، غلامعباس؛ نجات‌حسینی، سیدمحمود (۱۳۸۳) «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال/دوره: ۵، شماره ۲.
- شبانی، ملیحه (۱۳۸۲) وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران. پایان‌نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۰) «تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین»، نامه علوم اجتماعی. پاییز و زمستان. شماره ۱۸. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فالکس، کیث (۱۳۹۰) شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- قادری، حاتم (۱۳۷۹) «شهروند خوب، انسان خوب»، نشریه پیام آبادگران، شماره نهم.
- کاستلز، استفان؛ دیویدسون، آلستر (۱۳۸۲) مهاجرت و شهروندی، ترجمه فرامرز تقی‌لو، چاپ اول. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کرلینجر، فرد (۱۳۶۶) مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، چاپ دوم، تهران: مؤسسه آوای نور.
- کریپندر، کلوس (۱۳۷۷) تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، چاپ دوم، تهران: نی.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۵۶) روش تحقیق در محتوای مطبوعات، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۴) مطالعه تطبیقی نظریه کاشت و دریافت در ارتباطات، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۹) نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران: انتشارات همشهری.
- مید، لارنس (۱۳۸۱) «شهروندی و سیاست اجتماعی»، نشریه گفتگو، شماره ۳۵. صص ۸۷-۱۱۹.
- ورنر، سوروین؛ تانکارد، جیمز (۱۳۷۸) نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان (۱۳۸۴) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هولستی، آل.آر. (۱۳۹۱). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی. ترجمه نادر سالار زاده. چاپ سوم. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- Marshal, Thomas. T. (1950). Citizenship and social class and other essays. Cambrige: university press.
- MC lean, I (1996) oxford Dictionary of Politics, OUP.

